

Experimental Parasitism of Synanthropic Flies (*Musca domestica*, *Lucilia sericata*, and *Sarcophaga heamorrhoidalis*) by Parasitoid Wasps (*Nasonia vitripennis*, *Spalangia nigroaenea*, and *Pachycrepoideus vindemmiae*)

Mehdi Khoobdel¹,
Omid Dehghan²,
Abedin Saghafipour³,
Ehsan Radi⁴,
Javad Rafinejad⁵,
Kamran Akbarzadeh⁶,
Ahmad Ali Enayati⁷,
Hossein Lotfalizadeh⁸,
Mohammad Moradi²,
Hossein Sobati⁹

¹ Professor, Health Research Center, lifestyle Institute, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran

² MSc in Medical Entomology, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

³ Assistant Professor, Department of Public Health, Faculty of Health, Qom University of Medical Sciences, Qom, Iran

⁴ MSc in Medical Entomology, Department of Medical Entomology and Vector Control, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

⁵ Professor, Department of Medical Entomology and Vector Control, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

⁶ Associate Professor, Department of Medical Entomology and Vector Control, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

⁷ Professor, Department of Medical Entomology and Vector Control, Mazandaran University of Medical Sciences, Mazandaran, Iran

⁸ Professor, Department of Plant Protection, Agricultural and Natural Resources Research Center of East-Azərbayjan, Tabriz, Iran

⁹ Assistant Professor, Health Research Center, lifestyle Institute, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran

(Received October 7, 2017 ; Accepted January 8, 2018)

Abstract

Background and purpose: One of the most popular methods to control the synanthropic flies is using parasitoid wasps. The aim of this study was to estimate the experimental parasitism rates of pupae of *Musca domestica*, *Lucilia sericata*, and *Sarcophaga heamorrhoidalis* by parasitoid wasps, including *Nasonia vitripennis*, *Spalangia nigroaenea*, and *Pachycrepoideus vindemmiae*.

Materials and methods: Pupae of three species of flies, including *Musca domestica*, *Lucilia sericata*, and *Sarcophaga heamorrhoidalis* were exposed to three parasitoid female wasps, including *Nasonia vitripennis*, *Pachycrepoideus vindemmiae*, and *Spalangia nigroaenea* in laboratory condition. The exposure rate was 8 wasps to 10 fly pupae on alternate days up to 5 days. The experiments were performed in triplicate and a total of 2700 fly pupae was exposed to 432 wasps. The parasitism rate and parasitoid host preferences were also determined.

Results: Total parasitism of flies was estimated at 22.17%. There was no significant differences in parasitism rate of *Musca domestica*, *Lucilia sericata*, and *Sarcophaga heamorrhoidalis* by *Nasonia vitripennis*, and *Pachycrepoideus vindemmiae*, but there was a significant difference in parasitism rate of house fly by the three parasitoids investigated ($P < 0.01$). The *Spalangia nigroaenea* was active just on pupae of *Musca domestica*. The highest parasitism rate of the fly species studied was found by parasitized wasps of 5–7 days old.

Conclusion: *Spalangia nigroaenea* can be considered as an efficient and specific parasitoid for biological control of *Musca domestica*. Other wasp species, including *Nasonia vitripennis*, and *Pachycrepoideus vindemmiae* could also be used in integrated fly control programs. Also, in biological control program for flies, 5-7 day parasitoid might be more effective.

Keywords: biological control, *Pteromalidae*, parasitoid wasp, synanthropic flies

J Mazandaran Univ Med Sci 2019; 28 (169): 14-25 (Persian).

* Corresponding Author: Hossein Sobati - Health Research Center, lifestyle Institute, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran (E-mail: sobatih@gmail.com)

بررسی پارازیتیسیم تجربی مگس های سینانتروپ *Musca domestica*، *Sarcophaga haemorrhoidalis* و *Lucilia sericata* توسط زنبورهای پارازیتوئید *Nasonia vitripennis*، *Spalangia nigroaenea* و *Pachycrepoideus vindemmiae*

مهدی خوبدل^۱
امید دهقان^۲
عابدین تقفی پور^۳
احسان رادی^۴
جواد رفیع نژاد^۵
کامران اکبرزاده^۶
احمدعلی عنایتی^۷
حسینعلی لطفعلی زاده^۸
محمد مرادی^۲
حسین ثباتی^۹

چکیده

سابقه و هدف: یکی از روش های مناسب کنترل مگس های سینانتروپ، استفاده از زنبورهای پارازیتوئید است. این مطالعه به منظور تعیین پارازیتیسیم تجربی شفیره مگس های *Musca domestica*، *Lucilia sericata* و *Sarcophaga haemorrhoidalis* توسط زنبورهای پارازیتوئید *Nasonia vitripennis*، *Spalangia nigroaenea* و *Pachycrepoideus vindemmiae* انجام شد.

مواد و روش ها: در شرایط آزمایشگاهی، شفیره مگس های *Musca domestica*، *Lucilia sericata* و *Sarcophaga haemorrhoidalis* به صورت یک روز در میان به مدت ۵ روز و در هر نوبت ۱۰ عدد پوپ از هر گونه مگس به صورت جداگانه در معرض هر یک از سه گونه زنبور پارازیتوئید *Nasonia vitripennis*، *Spalangia nigroaenea* و *Pachycrepoideus vindemmiae* قرار گرفت. این آزمایش با سه بار تکرار انجام شد و در مجموع ۲۷۰۰ عدد پوپ مگس در معرض ۴۳۲ عدد زنبور پارازیتوئید قرار گرفت. میزان پارازیتیسیم، سن مناسب و ترجیح میزبانی پارازیتوئید بررسی گردید.

یافته ها: میزان پارازیتیسیم موفق کل شفیره ها ۲۲/۱۷ درصد محاسبه شد. میزان پارازیتیسیم شفیره های سه گونه مگس *Musca domestica*، *Lucilia sericata* و *Sarcophaga haemorrhoidalis* توسط زنبورهای *Nasonia vitripennis* و *Pachycrepoideus vindemmiae* تفاوت معنی داری را نشان نداد، ولی میزان پارازیتیسیم شفیره مگس خانگی توسط سه گونه زنبور مورد مطالعه اختلاف معنی داری داشت ($p < 0/01$). زنبور *Spalangia nigroaenea* فقط شفیره های مگس خانگی را پارازیته نمود. هم چنین بیش ترین میزان پارازیتیسیم شفیره مگس های مورد مطالعه توسط پارازیتوئیدهایی با طول عمر ۵-۷ روز صورت گرفته است.

استنتاج: زنبور پارازیتوئید *Spalangia nigroaenea* به عنوان یک عامل کنترل بیولوژیک اختصاصی مگس خانگی می تواند مورد توجه قرار گیرد. از دو گونه پارازیتوئید دیگر *Nasonia vitripennis* و *Pachycrepoideus vindemmiae* می توان در برنامه های کنترل تلفیقی و همزمان مگس های سینانتروپ استفاده کرد. در برنامه کنترل بیولوژیک مگس ها، استفاده از زنبورهای پارازیتوئید ۵-۷ روزه، ممکن است کارآیی بیش تری داشته باشد.

واژه های کلیدی: *Pteromalidae*، مگس های سینانتروپ، کنترل بیولوژیک مگس ها، پارازیتوئید

مقدمه

دوبالان، مهم ترین راسته حشرات حائز اهمیت پزشکی و بهداشت محسوب می شوند و تاکنون در حدود ۲۴۰

Email: sobatih@gmail.com

مؤلف مسئول: حسین ثباتی - تهران: خیابان ملاصدرا، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، مجتمع دانشگاهی پیامبر اعظم (ص)، دانشکده پزشکی

۱. استاد، مرکز تحقیقات بهداشت و تغذیه، پژوهشکده سبک زندگی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، تهران، ایران
۲. کارشناس ارشد حشره شناسی پزشکی و مبارزه با ناقلین، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۳. استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران
۴. کارشناس ارشد حشره شناسی پزشکی، گروه حشره شناسی پزشکی و مبارزه با ناقلین، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران
۵. استاد، گروه حشره شناسی پزشکی و مبارزه با ناقلین، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۶. دانشیار، گروه حشره شناسی پزشکی و مبارزه با ناقلین، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۷. استادیار، گروه حشره شناسی پزشکی و مبارزه با ناقلین، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، مازندران، ایران
۸. استاد، بخش تحقیقات گیاه پزشکی، مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان آذربایجان شرقی، تبریز، ایران
۹. استادیار، مرکز تحقیقات بهداشت و تغذیه، پژوهشکده سبک زندگی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۵ تاریخ ارجاع جهت اصلاحات: ۱۳۹۷/۷/۱۶ تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۱۰/۱۸

شده‌اند (۱). مگس‌ها یکی از تکامل یافته‌ترین گروه از دوبالان هستند که به علت توانایی تولید مثل بالا و سازگاری با محیط‌های مختلف در تمام طول سال در نقاط معتدل و گرمسیری وجود دارند. مگس‌ها می‌توانند تأثیر زیادی روی سلامت انسان‌ها داشته باشند و در حدود ۱۱/۰۰۰ گونه از آن‌ها قادرند به یک یا چند روش در انسان و حیوانات ایجاد بیماری کنند (۲). محدوده فعالیت برخی از مگس‌ها مانند مگس خانگی همواره مرتبط با فعالیت‌های انسانی است، از این رو به آن‌ها مگس‌های اهلی یا سیناتروپ می‌گویند (۳). مگس‌های سیناتروپ به ویژه مگس خانگی و مگس‌های *Sarcophagidae* توانایی بالقوه‌ای برای انتقال مکانیکی عوامل بیماری‌زا مانند ویروس، باکتری، پروتوزوا، کیست‌ها و تخم کرم‌ها دارند. آن‌ها از طریق پاها، موهای بدن و ضمام دهانی خود و یا مدفوع و استفراغ، بر روی مواد غذایی قادر به انتقال بیش از ۱۰۰ نوع از این عوامل بیماری‌زا هستند (۱). وفور آن‌ها در زمان جنگ تحمیلی نیز باعث شیوع بیماری‌های اسهالی در بین رزمندگان ایران شده بود (۴). هم‌چنین لارو این مگس‌ها می‌تواند به عنوان انگل اجباری و یا اختیاری عمل کنند و باعث ایجاد بیماری میاز در انسان و حیوانات گردند (۵،۶). اغلب مگس‌های ایجادکننده میاز در دنیا مربوط به دو خانواده *Sarcophagidae* و *Calliphoridae* می‌باشند (۶). برای کنترل جمعیت مگس‌های سیناتروپ در اغلب موارد از حشره کش‌های ارگانوفسفره، تنظیم‌کننده‌های رشد (IGR)، کاربامات و پیرتروئیدها به صورت طعمه، اسپری در فضا و یا لارو کشی استفاده می‌کنند (۷). هر چند روش‌های شیمیایی جمعیت مگس‌ها را به سرعت کاهش می‌دهد، ولی سمیت زیاد آن برای انسان، حیوان و گونه‌های غیر هدف، آلودگی محیط زیست و افزایش روز افزون مقاومت حشرات به حشره کش‌ها مانع از استفاده گسترده آن‌ها می‌گردد (۸). کنترل بیولوژیک مگس‌ها که به طور طبیعی برای حفظ تعادل جمعیت‌ها در طبیعت رخ می‌دهد، از روش‌هایی است که مورد

توجه قرار گرفته است. زنبورهای پارازیتوئید که سفیره‌های مگس‌ها را پارازیت می‌کنند، در سال‌های اخیر در کشورهای مختلف برای کنترل مگس‌ها به ویژه مگس خانگی استفاده شده است (۹). مطالعات نشان داده است که زنبورهای پارازیتوئید خانواده پترومالیده (Pteromalidae) اغلب پارازیتوئیدهای مگس‌های سیناتروپ مانند مگس خانگی، *Lucilia sericata* و *Sarcophaga haemorrhoidalis* هستند (۱۰). کنترل بیولوژیک موفق مگس‌ها، نیازمند آزمایش‌ها و مطالعاتی است که گونه‌های پارازیتوئید هر منطقه را بر اساس میزان‌های اختصاصی آن‌ها و زمان رهاسازی پارازیتوئیدها در محل‌های آلوده مورد بررسی قرار دهد (۱۱). بسیاری از متخصصین و کارشناسان این حوزه اعتقاد دارند که تحقیقات بیش تری در زمینه کنترل بیولوژیک مگس‌ها باید انجام گیرد (۱۲). در ایران نیز تحقیقاتی درباره مگس‌ها و زنبورهای پارازیتوئید از جمله تعیین فون مگس‌ها و استفاده از برخی گونه‌های زنبورهای پارازیتوئید در مبارزه بیولوژیکی علیه آفات مختلف در نقاط مختلف کشور انجام شده است (۱۳-۱۵،۶). در برخی مطالعات نیز پارازیتوئیدهای طبیعی مگس‌ها از جمله سارکوفازیده‌ها نیز مشخص شده است (۱۶). تحقیقات گسترده‌ای هم در مورد کاربرد پارازیتوئیدها در مبارزه بیولوژیک علیه بسیاری از آفات کشاورزی در ایران انجام شده است (۱۶،۱۷). در تحقیق انجام شده در کشور برزیل نیز بیش‌ترین میزان پارازیتیسیم مگس خانگی توسط زنبورهای پارازیتوئید *Pachycrepoideus vindemmiae* و *Nasonia vitripennis* گزارش شده است (۱۷). علی‌رغم تحقیقات صورت گرفته در ایران و دنیا در زمینه معرفی زنبورهای پارازیتوئید مگس‌ها و انجام مطالعات بر روی آن‌ها، بررسی ترجیح میزبانی زنبورهای پارازیتوئید و پتانسیل آن‌ها برای پارازیت کردن هر یک از گونه‌های مگس‌ها کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. در این مطالعه کارایی سه گونه از زنبورهای پارازیتوئید مهم شامل *Pachycrepoideus vindemmiae*، *Nasonia vitripennis*

و *Spalangia nigroaenea* در کنترل مگس‌های *Sarcophaga*، *Lucilia sericata*، *Musca domestica* و *haemorrhoidalis* در شرایط آزمایشگاهی مورد بررسی قرار گرفت.

مواد و روش‌ها

منطقه مورد مطالعه

محل جمع‌آوری نمونه‌های مگس و زنبورهای پارازیتوئید از گاوداری‌های حوالی شهر ارومیه واقع در استان آذربایجان غربی (با ارتفاع ۱۳۳۲ متر از سطح دریا و موقعیت جغرافیایی ۳۷ درجه و ۳۲ دقیقه شمالی و ۴۵ درجه و ۲ دقیقه شرقی) بوده است.

صید، تعیین هویت و پرورش مگس‌ها

در این مطالعه، مگس‌های مورد نیاز با استفاده از تله توری و تله بطری در سه نوبت و در فصل تابستان (۱۸) از گاوداری‌های حوالی شهر ارومیه صید گردید و پرورش آن‌ها در آزمایشگاه گروه حشره‌شناسی پزشکی و مبارزه با ناقلین دانشگاه علوم پزشکی ارومیه در سال ۱۳۹۶ صورت گرفته است. مگس‌های صید شده با استفاده از کلیدهای تشخیص معتبر تعیین هویت شدند (۲۱-۱۹). در انسکتاریوم مگس‌های بالغ *Lucilia sericata* و *Sarcophaga haemorrhoidalis* در قفس‌های جداگانه به ابعاد ۴۰×۴۰×۴۰ سانتی متر در شرایط دمای ۲۵±۲ سانتی‌گراد، رطوبت ۴۵±۵ درصد و دوره تناوب روشنایی/تاریکی ۱۶:۸ (۱۶ ساعت روشنایی و ۸ ساعت تاریکی) پرورش یافتند. برای تغذیه آن‌ها از آب قند ۵ درصد و خرما، برای تخم‌ریزی مگس و پرورش لارو از گوشت گاو و برای شفیره شدن از براده چوب استفاده شد (۲۴-۲۲). هم‌چنین برای پرورش مگس خانگی مورد استفاده در این مطالعه نیز، مگس‌های بالغ در قفس‌هایی به ابعاد ۳۰×۳۰×۳۰ سانتی متر و دمای ۲۵±۲ سانتی‌گراد، رطوبت ۷۰-۵۰ درصد و دوره تناوب روشنایی، تاریکی ۱۲:۱۲ ساعت پرورش یافتند. هم‌چنین

جهت تغذیه بالغین از ترکیب شکر (۲)، پودر شیر (۱) و مخمر (۱) به نسبت (۲:۱:۱) استفاده شد. به منظور فراهم آوردن محیط مناسب تخم‌گذاری و رشد لارو و شفیره نیز از کود دامی استفاده گردید (۲۵).

صید، تعیین هویت و پرورش زنبورهای پارازیتوئید زنبورهای پارازیتوئید مورد نیاز برای انجام این مطالعه؛ سه گونه زنبور پارازیتوئید *Nasonia vitripennis*، *Spalangia nigroaenea* و *Pachycrepoideus vindemmiae* از روی پوپ‌های مگس‌های جمع‌آوری شده از اطراف گاوداری‌های شهر ارومیه در سال ۱۳۹۶، جدا شده بودند، پس از تشخیص و شناسایی به وسیله کلید تشخیص معتبر تهیه شده توسط دکتر لطفعلی زاده، متخصص پارازیتوئیدهای مگس‌ها در ایران در مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی آذربایجان شرقی به انسکتاریوم پرورش حشرات منتقل شدند (۲۶) و هر گونه به دو قفس در ابعاد ۲۰×۲۰×۲۰ سانتی متر و با درجه حرارت ۲۸±۲ سانتی‌گراد، رطوبت نسبی ۵۰-۶۰ درصد و دوره روشنایی/تاریکی ۱۴:۱۰ (۱۴ ساعت روشنایی و ۱۰ ساعت تاریکی) پرورش یافتند (۲۷). برای تغذیه این زنبورها، از ظرف حاوی آب و ترکیب آگار که برای تغذیه زنبورهای تریکوگراما نیز کاربرد دارد استفاده شد. غذای آزمایشگاهی آگار شامل: آب عسل ۱۰ درصد + پودر آگار ۱۰ درصد به میزان ۱۰ تا ۱۵ گرم در لیتر می‌باشد. این ترکیب غذایی به مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه جوشانده شده و پس از سرد شدن ماده‌ای ژلاتینی به دست آمد که برای تغذیه زنبورهای پارازیتوئید در شرایط آزمایشگاهی استفاده گردید. برای تخم‌ریزی و تکثیر جمعیت زنبورها از پوپ‌های یک و یا دو روزه مگس خانگی در داخل قفس‌ها استفاده شد (۲۸، ۲۹). در شرایط آزمایشگاهی، شفیره‌های سه گونه مگس *Musca domestica*، *Sarcophaga haemorrhoidalis* و *Lucilia sericata* در دو گروه ۵۰ تایی و در طی مدت ۱۰ روز به صورت یک روز در میان (۵ بار در طی ۵ روز) در هر نوبت ۱۰

زمان تفریح نگهداری شدند. هم‌چنین طول عمر پوپ مگس‌های مورد استفاده در این آزمایش ۲۴ تا ۴۸ ساعت بود. میزان پارازیتیسیم موفق Post-mortem interval (PMI) کل شفیره‌ها، با استفاده از روش پترسون ۱۹۸۶ به صورت زیر محاسبه شد (۳۲):

میزان پارازیتیسیم موفق = [تعداد شفیره‌های پارازیتیه شده / کل شفیره‌های در دسترس پارازیتوئید × (100)]

آنالیز آماری

برای تعیین میزان پارازیت توسط سه گونه زنبور مورد مطالعه از آمار توصیفی استفاده شد. برای مقایسه پارازیتیه شدن شفیره سه گونه مگس توسط سه گونه زنبور پارازیتوئید از آزمون آنالیز واریانس دو طرفه استفاده شد و هم‌چنین برای مقایسه میزان پارازیتیه شدن و مرگ و میر پوپ سه گونه مگس توسط سه گونه زنبور در روزهای مختلف از ANOVA، سه طرفه استفاده شد. آنالیز آماری با استفاده از نرم افزار SPSS18 انجام شد.



تصویر شماره ۱: پارازیتیه کردن پوپ مگس *Lucilia sericata* توسط زنبور پارازیتوئید *Nasonia vitripennis*

یافته‌ها

از مجموع ۲۷۰۰ عدد شفیره مگس‌های سیناتروپ (*Lucilia sericata*, *Musca domestica*) و (*Sarcophaga haemorrhoidalis*) که در شرایط آزمایشگاهی در دو گروه و هر گروه به مدت ده روز در معرض ۱۳۵ زنبور پارازیتوئید ماده از سه گونه *Pachycrepoideus vindemmiae*، *Nasonia vitripennis*

عدد شفیره از هر گونه مگس در معرض ۸ زنبور (۵ ماده و ۳ نر) پارازیتوئید *Pachycrepoideus vindemmiae*، *Nasonia vitripennis* قرار گرفت و عملکرد آن‌ها علیه شفیره مگس‌ها مطالعه گردید (۳۱،۳۰). چون زنبورهای پارازیتوئید بر روی پوپ‌های مرده و بیمار تخم‌ریزی نمی‌کنند و از طرفی گاهی اوقات بر روی هر پوپ یک تخم می‌گذارند و هم‌چنین در مطالعات مشابه به ازای ۱۰۰ پوپ ۲ تا ۳ زنبور پارازیتوئید استفاده کرده بودند، در این مطالعه به ازای ۱۰ پوپ ۸ زنبور پارازیتوئید استفاده گردید (۱۶). گروه اول در برابر زنبورهای پارازیتوئید یک روزه و گروه دوم در برابر زنبورهای پارازیتوئید پنج روزه قرار گرفتند. گروه اول به صورت یک روز در میان از روز اول تا روز نهم (در کل پنج روز یعنی روز اول شفیره مگس قرار داده شد و روز سوم شفیره‌ها برداشته برداشته و شفیره جدید گذاشته و روز پنجم، هفتم، و نهم به همین ترتیب ادامه داشت)، تعداد شفیره‌های پارازیت شده و پارازیت نشده شمارش می‌شدند. گروه دوم مگس‌ها در معرض زنبورهای پنج روزه از روز پنجم تا روز سیزدهم قرار گرفتند (به صورت یک روز در میان تا روز سیزدهم در کل پنج روز یعنی روز پنجم شفیره‌ها در معرض زنبورها قرار داده شدند و روز هفتم برداشته و شفیره جدید گذاشته شد و روز نهم، یازدهم و سیزدهم به همین ترتیب ادامه داشت. در نهایت تعداد شفیره‌های پارازیت شده و نشده شمرد و یادداشت شدند). این روند برای هر سه گونه زنبور پارازیتوئید با هر سه گونه مگس سه بار تکرار شد. در کل تعداد ۲۷۰۰ شفیره مگس در برابر ۴۳۲ زنبور پارازیتوئید از سه گونه قرار گرفت. در ابتدای روزهای فرد در هر دو گروه قبل از قرار دادن پوپ‌های جدید در ظرف حاوی زنبورهای پارازیتوئید که دارای حجم ۱۰۰۰ سانتی‌متر مکعب بود، پوپ‌های قدیمی به ظرف‌های پلاستیکی با طول ۷۲ میلی‌متر و قطر ۳۲ میلی‌متر جهت شمارش تعداد پوپ‌های پارازیت شده، مرده و بالغ شده منتقل و تا

توسط زنبور پارازیتوئید *S. nigroaenea* پارازیته نشدند (جدول شماره ۱ و ۲). لذا *S. nigroaenea* دارای ترجیح میزبانی بر روی پوپ مگس خانگی می‌باشد. ولی با این وجود توانایی این زنبور پارازیتوئید در پارازیته کردن شفیره مگس خانگی اختلاف معنی‌داری با دو زنبور پارازیتوئید دیگر نداشت (جدول شماره ۱). پارازیتوئید *P. vindemmiae* هم اگرچه در مجموع میزان پارازیتسم پایینی داشت (۱۹/۸ درصد)، ولی ترجیح میزبانی نداشته و در میزان پارازیته کردن شفیره سه گونه مگس اختلاف معنی‌داری نشان نداد (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: آنالیز واریانس دو طرفه برای مقایسه پارازیته شدن سه گونه مگس *Musca domestica*، *Lucilia sericata* و *Sarcophaga haemorrhoidalis* توسط سه گونه زنبور پارازیتوئید *Nasonia vitripennis*، *Spalangia nigroaenea* و *Pachycrepoides vindemmiae*

| متغیر | مجموع مربعات | درجه آزادی | میانگین مربعات | آماره F | سطح معنی‌داری |
|-----------|--------------|------------|----------------|---------|---------------|
| نوع مگس | ۰/۴۴ | ۲ | ۰/۲۲ | ۰/۰۹ | ۰/۹ |
| نوع زنبور | ۶/۶۰ | ۲ | ۳/۳ | ۱/۴۱ | ۰/۲۴ |
| خطا | ۳۳/۱۳ | ۱۴۲ | ۲/۳۳ | | |
| جمع | ۱۰۷۲/۷۵ | ۱۴۷ | | | |

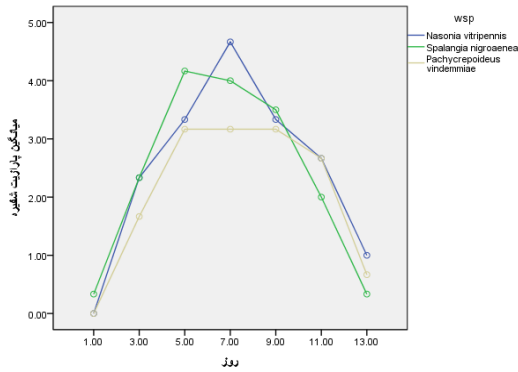
در بین مگس‌های مورد مطالعه، بیش‌ترین تعداد شفیره‌های پارازیته شده مربوط به مگس خانگی بود و هم‌چنین شفیره مگس خانگی به وسیله هر سه گونه زنبور پارازیته شده بود که نشان دهنده طیف زیاد دشمنان طبیعی این مگس است.

آنالیز آماری نشان داد که گونه و سن زنبورهای پارازیتوئید تاثیر معنی‌داری در میزان پارازیته کردن مگس‌ها دارد ($p < 0/01$) (جدول شماره ۳)، به طوری که بیش‌ترین میزان پارازیته کردن توسط زنبورهای با طول عمر ۷-۵ روز صورت گرفت و کم‌ترین میزان پارازیته کردن توسط زنبورهای یک و سیزده روزه صورت گرفت.

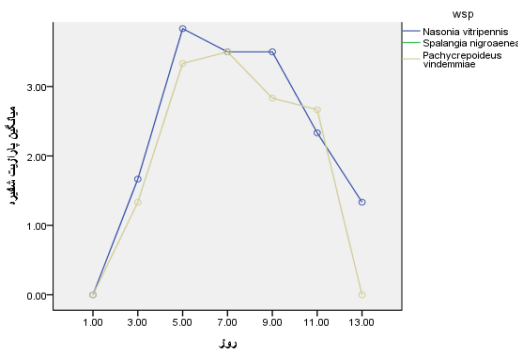
و *Spalangia nigroaenea* قرار گرفتند، بدون در نظر گرفتن گونه مگس، تعداد ۵۵۱ شفیره (۲۲/۱۷ درصد) به طور موفقیت آمیز پارازیته شد و زنبور پارازیتوئید از آن خارج گردید. میزان پارازیتسم موفق ۲۲/۱۷ درصد محاسبه شد. در مجموع ۱۲/۶۱ درصد (۲۷۲ عدد) از شفیره‌ها نیز در اثر سوپر پارازیتسم، تغذیه نامناسب، پارازیتسم ناموفق و سایر عوامل تفریح نشد و هیچ مگس یا پارازیتوئیدی از آن خارج نشد. از مجموع کل شفیره‌ها، ۶۵/۱۶ درصد (۱۲۷۷ عدد) نیز پارازیته نشده بود و مگس بالغ از آن خارج گردید. بیش‌ترین میزان پارازیتسم موفق که از آن‌ها زنبورهای پارازیتوئید خارج شدند مربوط به شفیره‌های مگس خانگی با $1/4 \pm 23/06$ درصد (۲۴۳ عدد) بوده است و کم‌ترین پارازیتسم موفق مربوط به شفیره‌های لوسیلیا سربکاتا با $1/4 \pm 21/25$ درصد ($n=151$) بود، هر چند اختلاف معنی‌داری از نظر آماری بین پارازیته شدن سه گونه مگس توسط سه گونه زنبور پارازیتوئید مشاهده نشد ($p > 0/01$) (جدول شماره ۱ و ۲). میزان پارازیتسم شفیره‌های سه گونه مگس توسط پارازیتوئیدهای *S. nigroaenea*، *N. vitripennis*، *P. vindemmiae* ترتیب ۱۹/۸ درصد و ۲۴/۳ درصد و ۲۳/۸ درصد گزارش شد. بیش‌ترین میزان پارازیتسم توسط *N. vitripennis* و کم‌ترین میزان پارازیتسم توسط *P. vindemmiae* بر روی سه گونه مگس صورت گرفت، هر چند از نظر آماری اختلاف معنی‌داری بین پارازیته کردن زنبورها بر روی مگس‌ها مشاهده نشد. زنبور پارازیتوئید *S. nigroaenea* تنها پوپ‌های مگس خانگی *M. domestica* را به تعداد ۸۵ عدد (۲۳/۸ درصد) پارازیته کرد و پوپ مگس‌های *L. sericata* و *S. haemorrhoidalis*

جدول شماره ۲: درصد مگس‌های بالغ خارج شده از شفیره، نرخ پارازیتسم توسط هر گونه از زنبورهای پارازیتوئید و درصد مرگ و میر ناشی از پارازیتوئید

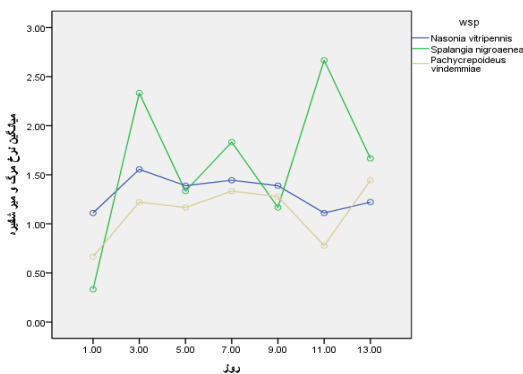
| گونه مگس | درصد شفیره‌های بالغ شده \pm انحراف معیار | درصد شفیره‌های مرده \pm انحراف معیار | درصد پارازیتسم موفق \pm انحراف معیار | میانگین شفیره‌های پارازیت شده \pm انحراف از معیار |
|---|--|--|--|---|
| <i>Musca domestica</i> | ۶۳/۶۳ \pm ۱/۸ | ۲۳/۰۶ \pm ۱/۴ | ۲۳/۰۶ \pm ۱/۴ | ۲۳/۸ \pm ۱/۵ |
| <i>Lucilia sericata</i> | ۶۶/۰۵ \pm ۱/۵ | ۱۲/۵۵ \pm ۱/۴ | ۲۱/۲۵ \pm ۱/۴ | ۰ |
| <i>Sarcophaga haemorrhoidalis</i> | ۶۵/۸ \pm ۱/۸ | ۱۱/۵۸ \pm ۱ | ۲۲/۲ \pm ۱/۵ | ۰ |
| مجموع شفیره‌های پارازیت شده | | | | ۸۵ |
| میانگین مجموع شفیره‌های پارازیت شده \pm انحراف از معیار | | | | ۲۳/۸ \pm ۱/۵ |



نمودار شماره ۲: میانگین پوپ های پارازیت شده *Lucilia sericata* توسط سه گونه زنبور پارازیتوئید *Nasonia vitripennis*، *Pachycrepoides vindex* و *Spalangia nigroaenea* در شرایط آزمایشگاهی



نمودار شماره ۳: میانگین پوپ های پارازیت شده *Sarcophaga haemorrhoidalis* توسط سه گونه زنبور پارازیتوئید *Nasonia vitripennis*، *Pachycrepoides vindex* و *Spalangia nigroaenea* در شرایط آزمایشگاهی



نمودار شماره ۴: میانگین پوپ های تفریخ نشده ناشی از عوامل مختلف

بحث

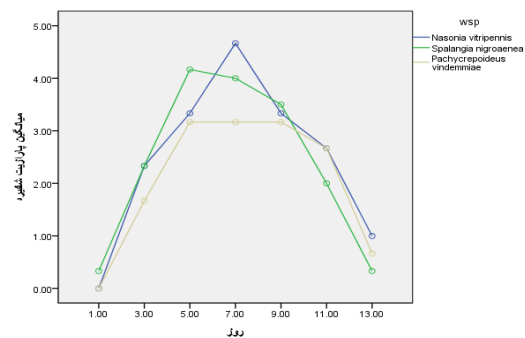
شناسایی و تعیین هویت مگس ها و کنترل کننده های بیولوژیک آن ها در هر منطقه، اولین گام برای مدیریت

جدول شماره ۳: آنالیز واریانس سه طرفه برای مقایسه میزان پارازیت و مرگ و میر شفییره سه نوع مگس *Musca domestica*، *Lucilia sericata* و *Sarcophaga haemorrhoidalis* توسط سه گونه زنبور پارازیتوئید *Nasonia vitripennis*، *Pachycrepoides vindex* و *Spalangia nigroaenea* در روزهای مختلف

| متغیر | مجموع مربعات | درجه آزادی | میانگین مربعات | آماره F | سطح معنی داری |
|-----------|--------------|------------|----------------|---------|---------------|
| مگس | ۰/۴۴ | ۲ | ۰/۱۲ | ۰/۴۷ | **۰/۰۰۰ |
| زنبور | ۶/۶۰ | ۲ | ۳/۳۰ | ۷/۰۴ | ۰/۶۲۴ |
| پارازیت | ۲۶۷/۳۳ | ۶ | ۴۴/۵۷ | ۹۵/۰۱ | **۰/۰۰۱ |
| خطا | ۶۳/۷۹ | ۱۳۶ | ۰/۴۶ | | |
| جمع | ۱۰۷۲/۷۵ | ۱۴۷ | | | |
| مگس | ۰/۱۱ | ۲ | ۰/۰۵ | ۰/۰۵ | ۰/۸۴ |
| زنبور | ۳/۴۳ | ۲ | ۱/۷۱ | ۱/۸۶ | ۰/۱۷ |
| مرگ و میر | ۶/۹۲ | ۲ | ۱/۱۵ | ۱/۱۸ | ۰/۳۱ |
| خطا | ۱۳۲/۵۵ | ۱۳۶ | ۰/۹۷ | | |
| جمع | ۳۸۴ | ۱۴۷ | | | |

*در سطح معنی داری ۰/۰۱ آزمون معنی دار است.

زنبور *N. vitripennis* و زنبور *P. vindex* از نظر آماری اختلاف معنی داری بر روی پارازیت کردن پوپ سه گونه مگس در روزهای مختلف مورد آزمایش نشان دادند ($p < 0/01$) که میزان پارازیت شدن توسط زنبور پارازیتوئید *N. vitripennis* از زنبور پارازیتوئید *P. vindex* در روزهای مورد مطالعه بیش تر بود (نمودار شماره ۱، ۲ و ۳). هم چنین این آزمون مشخص کرد که اختلاف معنی داری بین مرگ و میر پوپ سه گونه مگس مورد بررسی در اثر عوامل مختلف با طول عمر زنبور در روزهای مختلف وجود ندارد، طوری که میزان مرگ و میر پوپ های مگس در روزهای مختلف توسط سه گونه زنبور پارازیتوئید یکسان بوده است (نمودار شماره ۴).



نمودار شماره ۱: میانگین پوپ های پارازیت شده *Musca domestica* توسط سه گونه زنبور پارازیتوئید *Nasonia vitripennis*، *Pachycrepoides vindex* و *Spalangia nigroaenea* در شرایط آزمایشگاهی

و کنترل این آفات مهم بهداشت عمومی محسوب می شود که برای تعیین ترجیح میزبانی، نرخ پارازیتسم و تعیین بهترین زمان رهاسازی پارازیتوئید در طبیعت جهت اجرای برنامه کنترل بیولوژیک مگس لازم است (۳۳). در این بررسی که میزان پارازیتسم سه گونه مگس سینانتروپ *L. sericata*, *M. domestica* و *S. haemorrhoidalis* توسط سه گونه پارازیتوئید صید شده از شمال غرب ایران مطالعه شد، مشخص گردید که فقط زنبور پارازیتوئید *S. nigroaenea* به صورت اختصاصی عمل کرده و میزبان ترجیحی این زنبور در بین سه گونه مگس مطالعه شده، فقط مگس خانگی بود. مطالعه ای که در شرایط آزمایشگاهی به بررسی ترجیح میزبانی این پارازیتوئید پردازد، یافت نشد. اما مطالعات مختلفی که در محیط بیرون انجام شده بیانگر این موضوع اند که این زنبور علاوه بر مگس خانگی قادر به پارازیته کردن پوپ های مگس اصطبل نیز می باشد (۳۴، ۳۵).

در مطالعات دیگر گونه های دیگری از زنبورهای پارازیتوئید برای پارازیته کردن مگس ها از جمله مگس خانگی با موفقیت استفاده شده است، به طوری که در تحقیق انجام شده در کشور برزیل به منظور تعیین زنبورهای پارازیتوئید مگس خانگی مشخص شد بیشترین میزان پارازیتسم توسط زنبورهای *P. vindemniae* و *N. vitripennis* صورت گرفته است (۱۷).

در مطالعه ای مشابه در کشور دانمارک اثر زنبور پارازیتوئید *S. cameroni* Perkins از جنس *Spalangia* و خانواده پترومالیده به عنوان پارازیتوئید مگس خانگی و مگس اصطبل بررسی گردید و مشاهده گردید که جمعیت مگس های خانگی را کاهش داد و آزار و اذیت آن ها به شدت کاهش یافت، اما تاثیر کنترلی بر روی جمعیت مگس های اصطبل مشاهده نکردند (۳۳). لذا می توان از این زنبور به همراه زنبور گونه *Dirhinus himalayanus* برای محل هایی که به صورت اختصاصی نیاز به کنترل مگس خانگی و یا

مگس اصطبل می باشد استفاده کرد. بر اساس مطالعات گذشته در ایران، زنبورهای پارازیتوئید بر روی میزبان های مختلف گزارش شده اند (۳۸-۳۶) ولی ترجیح میزبانی و نرخ پارازیتسم آن ها در شرایط آزمایشگاهی و کنترل شده بر روی سه مگس سینانتروپ مهم تاکنون گزارش نشده بود. در این مطالعه بیشترین نرخ پارازیتسم سه مگس سینانتروپ توسط زنبور پارازیتوئید *N. vitripennis*، ۲۴/۳ درصد گزارش شد که در شرایط کنترل شده آزمایشگاهی ترجیح میزبانی برای این زنبور مشاهده نشد. در مطالعه انجام شده در مرغداری های شهر نیویورک مشاهده شد که میزان پارازیته شدن پوپ مگس خانگی به وسیله زنبور پارازیتوئید *N. vitripennis* پس از ۶ هفته از رهاسازی زنبورها به طور معنی داری افزایش یافت (۲۷). البته در مطالعاتی در دنیا، غیر اختصاصی بودن زنبور پارازیتوئید *N. vitripennis* در انتخاب سفیره های میزبان گزارش شده است و به عنوان پارازیتوئید پوپ مگس های خانواده کالیفوریده، موسیده و سارکوفازیده گزارش کرده اند (۲۷، ۳۱، ۳۹)، به طوری که اکبرزاده و همکاران در مطالعه ای دریافتند که پارازیت کننده های مگس های خانواده سارکوفازیده زنبورهای پارازیتوئید *Brachymeria podagrica* و *N. vitripennis* هستند (۱۶). لذا از این زنبور برای کنترل مگس های حائز اهمیت از نظر پزشکی در مناطق مختلف می توان استفاده کرد. هر چند رهاسازی این زنبور در مزارع پرورش اسب نتایج خوبی به دست نیامده است (۲۷). عوامل متعددی مانند آب و هوا، گونه پارازیتوئید، تعداد پارازیتوئید، کوچک یا بزرگ بودن زیستگاه، اثر بخشی پارازیتوئیدها را تحت تاثیر قرار می دهد (۹، ۴۰). یکی از مهم ترین این عوامل، زمان رهاسازی پارازیتوئید در محل زندگی آفت می باشد که می تواند مرگ و میر پارازیتوئید را کاهش دهد. مطالعات گذشته بهترین زمان رهاسازی پارازیتوئید را در ساعات اولیه صبح، غروب آفتاب و در شرایطی که هوا باد و باران نباشد گزارش کرده اند (۴۱). بر اساس مطالعه

پارازیتوئید *Spalangia nigroaenea* به عنوان یک عامل کنترل بیولوژیک اختصاصی مگس خانگی می تواند مورد توجه قرار گیرد. از دو گونه پارازیتوئید دیگر *Pachycrepoideus vindemmiae* و *Nasonia vitripennis* می توان در برنامه های کنترل تلفیقی و همزمان مگس های سینانتروپ استفاده کرد. اگرچه اغلب در برنامه کنترل بیولوژیک مگس ها، شفیره های پارازیت شده مگس ها را در طبیعت رها سازی می کنند، ولی با توجه به نتایج این مطالعه، استفاده از زنبورهای پارازیتوئید ۵-۷ روزه، ممکن است کارآیی بیش تری داشته باشد.

سپاسگزاری

این مطالعه با حمایت و تصویب دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) انجام شده است. از گروه حشره شناسی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه به اختصاص فضای آزمایشگاه جهت پرورش مگس ها و پارازیتوئیدها قدردانی می گردد.

Pratissoli بر روی زنبور تریکوگراما، بیش ترین تعداد پارازیتوئید تخم روزانه را توسط پارازیتوئیدهایی با طول عمر یک روز به مقدار ۸۰ درصد بیان کرد. هم چنین دریافت که در دمای ۲۵ تا ۳۰ درجه سانتی گراد، زنبور پارازیتوئید با طول عمر کم تر، بیش ترین تعداد پارازیت شده را انجام می دهد (۴۲). با توجه به نتایج این مطالعه که تحت شرایط کنترل شده بود، بهترین زمان رهاسازی زنبورهای پارازیتوئید برای کنترل سه مگس مهم از نظر پزشکی پارازیتوئیدهای پنج تا هفت روزه می باشند که بیش ترین نرخ پارازیتیسیم توسط این بخش از زندگی آنها صورت می گیرد. چرا که سایر مراحل زندگی آنها ممکن است تحت شرایط عوامل مختلفی مانند شرایط آب و هوایی بد و یا عدم وجود میزبان از بین برود و پارازیتیسیم موفق صورت نگیرد و رهاسازی مجدد برای کنترل موفق بهتر است بعد از گذشت دوازده روز از طول عمر زنبور پارازیتوئید صورت گیرد. در پایان می توان نتیجه گیری کرد که زنبور

References

1. Alikhan M, Al Ghamdi K, Mahyoub JA, Alanazi N. Public health and veterinary important flies (order: Diptera) prevalent in Jeddah Saudi Arabia with their dominant characteristics and identification key. Saudi Journal of Biological Sciences 2016; 25(8): 1648-1663.
2. Fleischmann W, Grassberger M, Sherman R. Maggot therapy: a handbook of maggot-assisted wound healing. Stuttgart, Georg Thieme; 2004.
3. Crespo DC, Lecuona RE, Hogsette JA. Biological control: an important component in integrated management of *Musca domestica* (Diptera: Muscidae) in caged-layer poultry houses in Buenos Aires, Argentina. Biol Control 1998; 13: 16-24.
4. Khoobdel M, Tavana AM, Vatandoost H, Abaei M. Arthropod borne diseases in imposed war during 1980-88. Journal of Arthropod-Borne Diseases 2008; 2(1): 28-36 (Persian).
5. Marchiori C. Study of a community of flies at different altitudes in the Serra of Caldas Novas Park, Goiás, Brazil. Braz J Biol 2006; 66(3): 849-851.
6. Khoobdel M, Davari B. Fauna and abundance of medically important flies of Muscidae and Fanniidae (Diptera) in Tehran, Iran. Asian Pac J Trop Med 2011; 4(3): 220-223.
7. Farnham A, O'dell KE, Denholm I, Sawicki R. Factors affecting resistance to insecticides in house-flies, *Musca domestica* L. (Diptera: Muscidae). III. Relationship between the level of resistance to pyrethroids, control

- failure in the field and the frequency of gene kdr. Bull Entomol Res 1984; 74(4): 581-589.
8. Scott JG, Leichter CA, Rinkevihc FD, Harris SA, Su C, Aberegg LC, et al. Insecticide resistance in house flies from the United States: Resistance levels and frequency of pyrethroid resistance alleles. Pest Biochem Physiol 2013; 107(3): 377-384.
 9. Marchiori C, Borges L. First report of the parasitoid *Pachycrepoideus vindemmiae* (Rondani, 1875) (Hymenoptera: Pteromalidae) parasitizing *Synthesiomyia nudiseta* (Van der Wulp, 1883) (Diptera: Muscidae). Braz J Biol 2017; 77(3): 657-658.
 10. Legner E. Biological control of Diptera of medical and veterinary importance. J Vector Ecol 1995; 20(1): 59-120.
 11. Foil L, Hogsette J. Biology and control of tabanids, stable flies and horn flies. Rev Sci Tech 1994; 13(4): 1125-1158.
 12. Machtinger E, Leppla N, Sanders C. Pest management perceptions and practices for equine farms in north and central Florida . Florida, University Of Florida; (IFAS Pub No. ENY-2028). 2013.
 13. Firoozfar F, Moosa-Kazemi H, Baniardalani M, Abolhassani M, Khoobdel M, Rafinejd J. Mass rearing of *Lucilia sericata* Meigen (Diptera: Calliphoridae). Asian Pac J Trop Biomed 2011; 1(1): 54-56.
 14. Khoobdel M, Jonaidi N, Rashti MS. Blowfly and flesh fly (Diptera: Cyclorrhpha) fauna in Tehran, Iran. J Entomol 2008; 5(3): 185-192.
 15. Khoobdel M, Tavassoli M, Salari M, Firozi F. The stinging Apidae and Vespidae (Hymenoptera: Apocrita) in Iranian islands, Qeshm, Abu-Musa, Great Tunb and Lesser Tunb on the Persian Gulf. Asian Pac J Trop Biomed 2014; 4(Suppl1): S258-S262.
 16. Akbarzadeh K, Mirzакhanlou AA, Lotfalizadeh H, Malekian A, Hazratian T, Talarposhti KR, et al. Natural Parasitism associated with species of Sarcophagidae family of Diptera in Iran. Ann Trop Med Parasitol 2017; 10(1): 134-137.
 17. Marchiori CH. Parasitoids of Diptera of Forensic Interest Collected in Goiás. Brazil. International Journal of Research in Pharmacy and Biosciences. 2017; 4(1): 1-5.
 18. Khoobdel M, Akbarzadeh K, Jafari H, Mehrabi Tavana A, Izadi M, Mosavo Jazayeri A. Diversity and abundance of medically-important flies in the Iranian triple islands; the Greater Tunb, Lesser Tunb and Abu-Musa. J Mil Med 2013; 14(4): 327-336 (Persian).
 19. Akbarzadeh K, Wallman JF, Sulakova H, Szpila K. Species identification of Middle Eastern blowflies (Diptera: Calliphoridae) of forensic importance. Parasitol Res 2015; 114(4): 1463-1472.
 20. Couri MS. Key to the Australasian and Oceanian genera of Muscidae (Diptera). Rev Bras Entomol 2010; 54(4): 529-544.
 21. Richet R, Blackith RM, Pape T. Sarcophaga of France (Diptera: Sarcophagidae): Vancouver, Pensoft Pub; 2011.
 22. Akbarzadeh K, Rafinejad J, Nozari J, Rassi Y, Sedaghat MM, Hosseini M. A modified trap for adult sampling of medically important flies (Insecta: Diptera). J Arthropod Borne Dis 2012; 6(2): 119-128.
 23. Byrd JH, Butler JF. Effects of Temperature on *Sarcophaga haemorrhoidalis* (Diptera: Sarcophagidae) Development. J Med Entomol 1998; 35(5): 694-698.
 24. Pastor B, Cickova H, Kozánek M, Martinez-Sanchez A, TAKÁČ P, Rojo S. Effect of the size of the pupae, adult diet, oviposition substrate and adult population density on egg

- production in *Musca domestica* (Diptera: Muscidae). *Eur J Entomol* 2011; 108(4): 587-596.
25. Spiller D. House Flies. In: *Insect Colonization and Mass Production*. Smith CN (ed). New York: Academic Press; 1966. p: 203-225.
 26. Graham MWRDV. The Pteromalidae of North-Western Europe (Hymenoptera-Chalcidoidea): London, British museum; 1969.
 27. Kaufman PE, Long SJ, Rutz DA, Waldron JK. Parasitism rates of *Muscidifurax raptorellus* and *Nasonia vitripennis* (Hymenoptera: Pteromalidae) after individual and paired releases in New York poultry facilities. *J Econ Entomol* 2001; 94(2): 593-598.
 28. Vazirianzadeh B. Integrated pest management of houseflies, *Musca domestica* (Diptera: Muscidae), using a combination of cyromazine Insect Growth Regulator (IGR) and a pteromalid wasp, *Nasonia vitripennis*. PhD thesis: Cardiff University, UK; 2003.
 29. Abolhasanzadeh F, Lotfalizadeh H, Madjdzadeh SM. Updated checklist of Pteromalidae (Hymenoptera: Chalcidoidea) of Iran, with some new records. *JIBS*. 2017;3(2):119-140.(persian)
 30. Greene G, Guo YJ, Chen HY. Parasitization of House Fly Pupae (Diptera: Muscidae) by *Spalangia nigroaenea* (Hymenoptera: Pteromalidae) in Cattle Feedlot Environments. *Biological Control* 1998; 12(1): 7-13.
 31. Mello RS, Borja GEM, Aguiar-Coelho VM. Exposure of a single host (*Chrysomya megacephala*) (Calliphoridae) to different quantities of female parasitoids (*Nasonia vitripennis*) (Pteromalidae). *Rev Bras Entomol* 2009; 53(4): 672-678.
 32. Petersen J. Augmentation of early season releases of filth fly (Diptera: Muscidae) parasites (Hymenoptera: Pteromalidae) with freeze-killed hosts. *Environ Entomol* 1986; 15(3): 590-593.
 33. Skovgård H, Nachman G. Biological control of house flies *Musca domestica* and stable flies *Stomoxys calcitrans* (Diptera: Muscidae) by means of inundative releases of *Spalangia cameroni* (Hymenoptera: Pteromalidae). *Bull Entomol Res* 2004; 94(6): 555-567.
 34. Romero A, Hogsette JA, Coronado A. Distribution and abundance of natural parasitoid (Hymenoptera: Pteromalidae) populations of house flies and stable flies (Diptera: Muscidae) at the University of Florida Dairy Research Unit. *Neotrop Entomol* 2010; 39(3): 424-429.
 35. Srinivasan R, Amalraj DD. Efficacy of insect parasitoid *Dirhinus himalayanus* (Hymenoptera: Chalcididae) & insect growth regulator, triflumuron against house fly, *Musca domestica* (Diptera: Muscidae). *Indian J Med Res* 2003; 118: 158-166.
 36. Lotfalizadeh H. editor Introduction of two species of the genus *Spalangia* Lat.(Hym.: Pteromalidae) from Iran. Proceeding of the 16th Iranian Plant Protection Congress; 2004 Aug 29-Sep 2. Tabriz: Iran; 2004 (Persian).
 37. Petersen J, Meyer J. Host preference and seasonal distribution of pteromalid parasites (Hymenoptera: Pteromalidae) of stable flies and house flies (Diptera: Muscidae) associated with confined livestock in eastern Nebraska. *Environ Entomol* 1983; 12(2): 567-571.
 38. Takada Y, Kawamura S, Tanaka T. Host preference of *Trichogramma dendrolimi* (Hymenoptera: Trichogrammatidae) on its native host, *Mamestra brassicae* (Lepidoptera: Noctuidae) after 12 continuous generations on a factitious host. *Appl Entomol Zool* 2001; 36(2): 213-218.

39. Whiting AR. The biology of the parasitic wasp *Mormoniella vitripennis* [=Nasonia brevicornis] (Walker). *Q Rev Biol* 1967; 42(3): 333-406.
40. Malik A, Singh N, Satya S. House fly (*Musca domestica*): a review of control strategies for a challenging pest. *J Environ Sci Health B* 2007; 42(4): 453-469.
41. Machtinger ET, Geden CJ, Kaufman PE, House AM. Use of pupal parasitoids as biological control agents of filth flies on equine facilities. *J Integr Pest Manag* 2015; 6: 1-10.
42. Pratisoli D, Bueno AdF, Bueno RCOdF, Zanúncio JC, Polanczyk RA. *Trichogramma acacioi* (Hymenoptera, Trichogrammatidae) parasitism capacity at different temperatures and factitious hosts. *Rev Bras Entomol* 2009; 53(1): 151-153.